

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی

زهرا دولتیاری^۱

پروین دولتیاری^۲

چکیده

سابقه باستانی، تاریخی و فرهنگی سیستان موجب پدید آمدن هنرهای دستی متنوعی شده است. بعضی از این محصولات با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ساخته می‌شوند. ماده اولیه برخی از هنرهای دستی از بذر، تنه، شاخه، برگ‌ها یا از میوه‌های گیاهان است و محصولاتی نظیر البسه، حصیر، بادبزن، کفش و سایر وسایل از آنها تهیه می‌گردد. همچنین از الیاف حیوانی نظیر پشم نیز محصولات متنوعی تهیه می‌شود. در این مقاله، امکانات منطقه سیستان از نظر تهیه و ساخت این گونه صنایع بررسی و به برخی از این محصولات اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: هنرهای سنتی، سیستان، الیاف گیاهی، الیاف حیوانی،

سوزن‌دوزی

carbon1415@yahoo.com

mahya.culb@yahoo.com

۱. کاردانی معماری دانشگاه آزاد اسلامی دره‌شهر

۲. کارشناسی تربیت بدنی

مقدمه

سیستان، یکی از حوزه‌های تمدنی دنیای باستان بود؛ این منطقه در روزگار پیشین با برخورداری از جنبه‌های بسیار عالی کشاورزی و آب و هوایی، انبار غله ایران به شمار می‌رفته است. سیستان در دوره هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و دوره اسلامی بسیار آباد بوده و یکی از مهم‌ترین مراکز آن عصر محسوب می‌شده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۹۱) و مردمان متمدن این منطقه به عنوان تمدن‌سازان بزرگ در اعصار مختلف مطرح بوده‌اند. از شاهکارهای باستانی، هنری و علمی این مردمان می‌توان به عمل چشم مصنوعی در شهر سوخته، بافت پارچه‌های گوناگون، سفالگری و طراحی نقش‌های منقوش بر روی سفال، حصیربافی و بافت با الیاف، پیکره‌های گلی نمادین، مهرها و وسایل بازی اشاره کرد.

امروزه فقط آثار تاریخی، جاذبه گردشگری کشورهای در حال توسعه به شمار نمی‌آیند، بلکه صنایع دستی با طرح‌ها و اصالت‌های ویژه خود نیز مکمل دیدنی‌های تاریخی هر کشور محسوب می‌شوند (بی‌نام، ۱۳۸۱: ۹). ایران جزو معدود کشورهایی است که از دیرباز در زمینه تولید مصنوعات دست‌ساز، سرآمد و صاحب شهرت بوده و تا پیش از پیدایش ماشین و دست‌اندازی آن بر نظام اقتصادی، همیشه از این هنر چون عاملی مهم و اساسی در پیکره اقتصادی خویش بهره‌مند شده است. بنابراین، ایران به عنوان کشوری در حال توسعه از نظر فناوری و یکی از سه قطب مهم صنایع دستی جهان، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و مطالعات و تجربیات داخلی و جهانی، در کنار صنایع ماشینی، با گسترش صنایع دستی و روستایی خویش به توسعه اقتصادی قابل توجهی نیز دست یابد. (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۱۱)

صنایع دستی

صنایع دستی، تبلور عینی فرهنگ و مظاهر هنری و از نوع هنرهای کاربردی و مردمی به حساب می‌آید و از آنجا که هر فرآورده دستی بازگوکننده ویژگی‌های تاریخی - اجتماعی و فرهنگی محل تولید خود است، عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن و همچنین عاملی برای جذب گردشگران خارجی محسوب می‌شود. برخی صنایع دستی، مختص روستاهاست. صنایع دستی روستایی آن نوع از صنایع ساده و بدون پیچیدگی فنی هستند که در روستا منبع درآمد و شغل تکمیلی محسوب می‌شوند و روستاییان هنگام بیکاری فصلی بدان می‌پردازند. خانوارهای روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می‌کنند تا بدین وسیله هم مانع از اتلاف وقت شوند و هم کالایی را تولید کنند و به نیازهای مصرفی خانواده خود یا سایر روستاییان پاسخ دهند. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت‌های زراعی و دامپروری دهقانان به شمار می‌روند. این بخش از فعالیت تولیدی که کار زنان و کودکان است و جنبه تولید خانگی دارد. بیشتر به مصرف خانوارهای روستایی می‌رسد و تنها اندکی از مازاد آن به بازار عرضه می‌شود.

صنایع دستی، تابع محیط جغرافیایی و طبیعی است زیرا این محیط است که مواد اولیه صنایع را در اختیار مردم قرار می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه صنایع دستی حرفه‌ای در مناطق مختلف کشور تحت تأثیر توزیع منطقه‌ای میزان بارندگی و مقدار آب منطقه قرار دارد. از این‌رو، هرکجا میزان بارندگی کم بوده، صنایع دستی حرفه‌ای در آن رواج بیشتری داشته است. درآمد روستاییان از محل صنایع دستی، در همه نقاط ایران یکسان نیست، بلکه در برخی از مناطق کمتر و در جای دیگر بیشتر است. چنانچه در پاره‌ای از مناطق روستایی، درآمد اصلی خانوارهای دهقانی تنها از راه قالی‌بافی یا پارچه‌بافی

تأمین می‌شود و در مقابل، مناطق دیگری نیز وجود دارند که سهم درآمد حاصل از صنایع دستی آنها در درآمد کل روستاییان ناچیز است. برخی از صنایع دستی رایج در ایران به دلیل نفوذ پول و بازار در مناطق روستایی و شرایط جامعه در حال گذار ایران، به تدریج وسعت و اهمیت خود را از دست داده‌اند. برخی از این صنایع عبارت‌اند از: قالی، گلیم، جاجیم، ورنی، زیلو، گیوه، سفال، سبد، جوراب، شال، گلابتون، پوستین، صابون، شمع، عرقچین و سایر صنایع. (تقوی، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

صنایع دستی سیستان از تنوع و گوناگونی فراوانی برخوردارند و مواد و عناصر مختلفی در ساخته‌های گوناگون صنایع دستی به چشم می‌خورند. در این مقاله، به آن دسته از صنایع دستی اشاره می‌شود که از الیاف گیاهی و حیوانی ساخته می‌شوند.

۱. الیاف گیاهی

ماده اولیه برخی هنرهای دستی سنتی، الیاف گیاهی است. این الیاف از بذر (دانه)، تنه، شاخه، برگ‌ها یا میوه‌های گیاهان تهیه می‌شود. تنوع الیاف گیاهی این منطقه از کشور بیشتر از هزار گونه است اما تنها بعضی از این الیاف گیاهی به دلیل اهمیت اقتصادی‌شان و نیاز منطقه، همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از محصولات و صنایع دستی گیاهی عبارت‌اند از:

۱-۱. پنبه (بذر، تخم)

امروزه الیاف پنبه در صنایع نخ‌ریسی، بافتنی، پارچه‌های پشمی و کتانی و برخی لوازم خانه مثل لحاف، تشک و متکا کاربرد دارد.

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۹۵

همچنین از دانه‌های پنبه، در تولید روغن نباتی، صابون، ساخت رنگ‌های روغنی، مشمع، خمیر کاغذ و از تفاله آن به عنوان خوراک حیوان و کود استفاده می‌شود. غوزه پنبه به وسیله دست از مزارع یا باغ‌ها چیده می‌شود و به وسیله دستگاهی به نام چرک (arak)، با روشی که پنبه پاک‌کنی نام دارد، دانه‌ها را از الیاف جداسازی کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند. پنبه در اقتصاد کشورمان از جایگاه مهمی برخوردار است.

نخ، بافت‌های مختلف و البسه پنبه‌ای، علاوه بر اینکه در داخل کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند، به خارج نیز صادر می‌شوند. به دلیل اینکه رنگ پنبه طبیعی کاملاً سفید نیست، به وسیله آهک و آب ژاول آن را به رنگ و شکل دلخواه درمی‌آورند. پنبه به سبب داشتن ویژگی‌هایی چون رنگ‌پذیری خوب، قابلیت مناسب چاپ طرح، گرفتن رطوبت کافی، شستشو و قابلیت جوشاندن، بر الیاف دیگر که در صنایع نساجی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، ترجیح دارد.

- استفاده از الیاف پنبه در پوشاک و کفش

در گذشته الیاف پنبه را پس از جدا کردن از دانه به وسیله چرخ ریسندگی که چر (ar) نام داشت، به رشته‌های نخ تبدیل می‌کردند. نخ‌ها را به صورت گلوله، کلاف و دوک درمی‌آوردند و به وسیله دستگاهی به نام «کارگه» می‌تیندند. بافت این پارچه‌ها الهام گرفته از الیاف تنه درخت خرما بوده است. علاوه بر لباس و رختخواب، از نخ‌های پنبه‌ای در ساختن کفش نیز بهره می‌بردند.

کاربرد دیگر پارچه کرباس، دوخت کیسه و چادرشب برای حمل و نقل و نگهداری حبوبات و رختخواب بوده است.

- استفاده از پارچه کرباس در طب سنتی

در طب سنتی برای محافظت از محل‌های آسیب دیده، از ساقه‌های نی و نخ پنبه آتل می‌ساختند و از پارچه کرباس برای پانسمان زخم‌ها استفاده می‌کردند. نوعی طب حرارتی نیز در گذشته معمول بوده است؛ به نحوی که طبیب قطعاتی از پارچه کرباس را خیس می‌کرد و روی رگ‌های سینه و پشت بیمار قرار می‌داد و ساقه تر درخت گز را در آتش فرو می‌کرد و بلافاصله به اندازه یک لحظه، به پارچه خیس روی بدن می‌زد. از بخار حرارت ساقه درخت گز و پارچه، پوست بدن تاول می‌زد که این تاول‌ها را با نخاع گوسفند و ضماد تازه نگه می‌داشتند تا چرکین شوند و عفونت از طریق این تاول‌ها خارج گردد.

نوع دیگر طب حرارتی، معالجه دیسک کمر به وسیله نخ پنبه بود که در این روش، پنبه‌های نخی را به صورت فتیله می‌ساختند و روی مهره کمر قرار می‌دادند و آتش می‌زدند.

کاربرد دیگر پارچه کرباس، دوخت کیسه و چادرشب برای حمل و نقل و نگهداری حیوانات و رختخواب بوده است.

- استفاده ازالیاف پنبه در ساخت چراغ و شمع

- پُشتی‌بافی

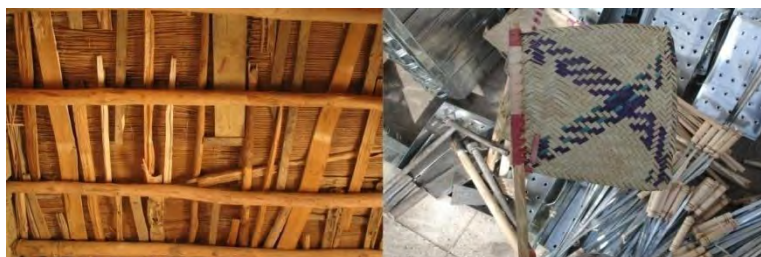
این هنر، در مناطقی از سیستان رایج است و به طور عمده در نواحی بُنجار (بیجار)، کرباسک، دَه مَرده، دَه بُزی، دوست‌محمد و شهرک نارویی دیده می‌شود (افشار سیستانی، پیشین: ۱۲۷). همچنین طرح‌های پستی از ویژگی‌های مردم‌شناختی برخوردارند.

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۹۷



۱-۲. الیاف برگ درخت خرما

درخت خرما درختی است که تنه آن از الیاف بافته شده تشکیل شده است. برگ نخل از لحاظ انعطاف و استحکام، گزینه مناسبی برای بافندگی به شمار می رود که از جمله موارد استفاده بافته های آن در سیستان، حصیر برای سقف خانه، پوشش کف اتاق، پل، سبد نگهداری خوشه خرما و بادبزن است.



باد بزن ساخته شده از برگ درخت خرما حصیر ساخته شده از برگ خرما برای پوشش سقف

۱-۳-۱. الیاف ساقه‌های نی، گندم، توت، کرته

۱-۳-۱-۱. ساقه‌های نی و گندم

در منطقه سیستان، حصیر را بیشتر از نی و گاه از ساقه‌های گندم می‌بافند. نی‌های خشک شده را روی الواری از چوب قرار می‌دهند و می‌کوبند تا رشته‌رشته شوند. دستگاه بافندگی دستی را که به شکل مستطیل است، در زمین تعبیه می‌کنند و با این دستگاه، رشته‌های تهیه شده از نی را در طول و عرض یکدیگر قرار می‌دهند و با عبور دادن رشته‌ها از یکدیگر، حصیر می‌بافند. در گذشته از این محصول بیشتر به صورت زیرانداز، پرده دیواری، سجاده استفاده می‌کردند، ولی امروز بیشتر برای خشک کردن میوه‌ها، مفروش کردن کف و لوازم دکوری از آن استفاده می‌شود.

در سیستان، در برخی از کارگاه‌ها از ساقه گندم حصیر بافته می‌شود. در این ناحیه، پرده‌بافی بیشتر در روستاهای اطراف و حاشیه هامون انجام می‌گیرد. مردم برخی روستاها تنها از راه پرداختن به این حرفه امرار معاش می‌کنند. محصول آنها پرده‌هایی است که از نوعی نی که در محل به «لوخ» معروف است، بافته می‌شود (همان: ۱۲۷). در قسمت مرکزی و حاشیه جنوب خاوری استان، نوعی نخل خرما می‌روید که نام محلی آن «رُدان» است و

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۹۹

برگ آن از نظر استحکام قابل توجه است و هم اکنون بسیاری از خانواده‌های بلوچ از برگ آن حدود ۳۰ نوع مختلف حصیر می‌بافند.

در گذشته، حصیربافی مصرف وسیع داشت که مهم‌ترین آن استفاده در ساختمان‌سازی یا مفروش کردن مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و منازل بود، ولی امروزه کاربرد آن محدود شده است. بنابراین اغلب صنایع دستی که در گذشته کاربری‌های خاصی داشتند، امروزه کاربرد آنها منسوخ شده ولی خود صنعت هنوز باقی مانده است. بنابراین یکی از روش‌های احیا و تجدید حیات بسیاری از صنایع دستی، پیدا کردن کاربری‌های جدید در کنار افزایش کیفیت و کارایی است.

در گذشته ساکنان شهر سوخته با دندان، حصیربافی می‌کردند. در نمونه‌های یافت شده در گورهای باستانی و دندان‌های بررسی شده اجساد، با شناسایی آسیب‌های وارده به دندان‌های مردم شهر سوخته مشخص می‌شود، ساکنان این شهر باستانی ۵ هزار سال پیش، از دندان‌هایشان برای بافتن حصیر و سبد استفاده می‌کردند.



۱-۳-۲. گیاه توت

گیاه توت گونه خاص بستر رودخانه‌ای و دریاچه‌های باتلاقی، و گیاهی خودروست. این گیاه از طریق بُلک و جوانه ریشه‌ها تکثیر می‌یابد. بذر بُن این

گیاه به دلیل شباهت به مشعل، مشله (ma ala) نام دارد. از داخل بن گیاه ساقه‌هایی اسفنجی شکل رشد می‌کنند و تا بیش از چهار متر می‌رسند. به این ساقه (ماده) در زبان محلی توت می‌گویند. از قسمت توت، علوفه برای دام و قایق‌های انفرادی شکاری و باری تهیه می‌کنند.

پس از بریدن این گیاه از دریاچه، آنها را دسته دسته کنار هم می‌گذارند و از پیچاندن این ساقه‌ها تسمه‌ای موسوم به «چیلک» می‌سازند و دسته‌ها را با آن می‌بندند. از این دسته‌ها در ساخت قایق‌های انفرادی، شکاری، باری و حتی پل‌های موقت استفاده می‌کنند؛ به این ترتیب که دسته‌هایی از توت را به طریقی که از دو طرف باریک و از وسط پهن شوند، کنار هم می‌چینند و با چیلک می‌بندند. این کلاف‌ها را که به ولیمه موسوم است، کنار هم می‌گذارند و دوباره باچیلک آنها را می‌بندند و بعد از این مرحله، دسته باریک‌تری که «چنگک» یا «نربلنگ» نام دارد، می‌سازند و روی بدنه، در دو طرف قایق متصل می‌کنند. از آنجا که مراحل بافت فقط با توت انجام می‌شود، این نوع قایق‌ها به «توتن» معروف هستند.

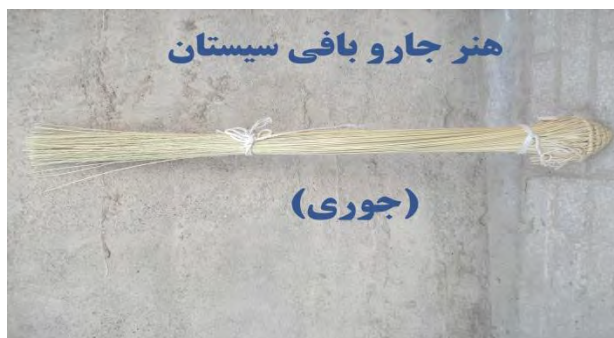
در داخل لایه‌های توت، ساقه استوانه‌شکلی (نری) رشد می‌کند که در زبان محلی به آن خلک (xolak) می‌گویند. در نوک این خلک گل یا خوشه آن سبز می‌شود که در زبان محلی به آن بلک (bolak) می‌گویند. بذر گیاه و دانه‌های بلک که شبیه قاصدک است، در هوا پخش می‌شود و باعث تکثیر این گیاه می‌گردد. ریشه گیاهان تازه روئیده شده به رنگ سفید و قابل خوردن هستند. همچنین از قسمت بُلک آن به جای پر در بالش و از خُلک آن در بافت پرده استفاده می‌کنند.

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۱۰۱



۱-۳-۳-۳ کرته (karta)

نوعی گیاه سوزنی شکل است که معمولاً در کنار رودخانه‌ها می‌روید. این گیاه ساقه‌هایی بلند و پوشیده در غلاف برگ دارد. ساقه این گیاه در جاروبافی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ساقه‌ها پس از بریده شدن و پاکسازی از ته ساقه، به فاصله دو بند انگشت کوبیده و در ظرف آب گذاشته می‌شود و سپس دسته‌های چهارتایی آن را با نخ پنبه‌ای به روش حلزونی نرده‌ای پشت سرهم می‌بافند. بعد از این مرحله، به انتهای دسته رشته‌ای بلند، نخ‌ی را محکم می‌بندند تا از هم جدا نشود.



۱-۴. الیاف تنه و شاخه کتان، کف

سبد بافی: شاخه‌های درختان نقش مهمی در زندگی انسان دارند. از این شاخه‌ها علاوه برسوزاندن، در پل‌سازی، سقف‌خانه و ساخت قطعات ریسندگی و بافندگی استفاده می‌کنند. از تراشیدن تنه درختان نیز کفش و از شاخه‌های باریک آنها، سبد برای مصارف گوناگون تهیه می‌کنند.



۲. الیاف حیوانی (پشم و نخ پشمی)

از زمانی که انسان خود و محیط اطرافش را شناخت، تلاش کرد بر نیروهای بالقوه طبیعت اطرافش غلبه کند و در این راه، پیش از هر چیز به این مسئله می‌اندیشید که چگونه جسم آسیب‌پذیر خود را از گزند حشرات،

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۱۰۳

حیوانات، سرما و گرما نگاه دارد. پوشش، شاید نخستین چیزی نباشد که انسان به آن دست یافته است اما بی تردید پیش از کشف آتش، از آن به عنوان مؤثرترین ابزار برای نگهداری بدن در مقابل بسیاری از عوامل طبیعی استفاده می کرده است. الیاف گیاهی، ریشه‌ها و پوست برخی از حیوانات، ابتدایی ترین پوشاک انسان اولیه را تشکیل می دادند و چون پوست نمی توانست در تمام فصول یا در موقعیت های آب و هوایی گرم مورد استفاده قرار گیرد، انسان خلاق دریافت که می تواند با چیدن پشم حیوانات و تبدیل آن به نخ و بافت آن، استحکام بیشتری به تن پوش ساده خود بدهد. با کشف پنبه، تحولی عظیم تر در پوشاک و ساختار اجتماعی و اقتصادی بشر به وجود آمد و پیامدهای تاریخی بسیاری پیش روی انسان قرار گرفت.

از دیگر صنایع دستی رایج در سیستان، قالی، پستی، گلیم و خورجین است. در سیستان، همگام با توسعه کشاورزی، دامپروری نیز رونق یافته است. از این رو، بیشترین شمار شاغلان به صنایع دستی در این ناحیه، در رشته گلیم، قالیچه بافی، قالی و پُستی در حال فعالیت هستند و از این لحاظ، سیستان حائز اهمیت فراوان است.

ماده اولیه بسیاری از هنرهای سنتی الیاف حیوانی، پشم است. پشم عبارت است از نوعی لیف پروتئینی که روی پوست گوسفند می روید و در صنعت قالی بافی به صورت پرز و گاهی تار به کار می رود. پشم تابیده شده (نخ پشمی) را در قالی بافی در اصطلاح «خامه» می گویند. بعضی از پشم های نرم و ظریف در قالی بافی، «کُرک» نام دارد که این نام گذاری صحیح نیست زیرا کرک عبارت است از الیاف ظریف و نرم که در روی بدن بز و شتر می روید و مصرف آن برای بافت قالی مناسب نیست.

۲-۱. پشم

عواملی مانند قطر، طول، جعد، استحکام، برگشت پذیری، نرمی، شفافیت، بو و رنگ در ساختمان و مرغوبیت پشم، نقش اساسی دارند. به نظر کارشناسان فن، بهترین پشم برای قالی بافی، پشم ایرانی است که به لحاظ داشتن ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی، مرغوب‌ترین قالی‌ها از آن بافته می‌شود. مهم‌ترین انواع پشم ایرانی، پشم مناطق کرمانشاه، خوزستان، خراسان و نژاد بلوچ هستند؛ بویژه پشم کرمانشاه و اهواز که دارای الیاف قطور، بلند و مجعد است و به مصرف قالی‌های درشت‌باف می‌رسد ولی در مناطقی چون سیستان، تربت حیدریه و سیرجان، پشم‌ها از نوع ظریف و نرم و دارای الیاف متوسط و معمولی و مناسب قالی‌های ریزبافت هستند.

مراحل تبدیل پشم به خامه قالیبافی (نخ پشمی):

پشم گوسفند را پس از چیدن از روی پوست گوسفند، از لحاظ نوع رنگ و طول الیاف آن طبقه‌بندی می‌کنند. سپس آنها را در کارخانه‌های شستشوی پشم یا در محل‌های مناسب شستشو می‌دهند و به رسیدن آن اقدام می‌کنند.

پشم معمولاً به دو طریق دستی، به وسیله دوک و چرخ‌های دستی نخ‌ریسی و ماشینی ریسیده می‌شود. در نوع ماشینی، پشم ابتدا با دستگاه‌های ماشینی نیمه‌خودکار و تمام‌خودکار حلاجی می‌شود و بعد به صورت نیمچه نخ درمی‌آید و سپس در دستگاه‌های تمام‌تاب تابیده و سپس دولا و کلاف می‌شود.

خامه یا نخ پشمی رشته‌شده از پشم، ماده اصلی تشکیل‌دهنده قالی است و به نسبت قطری که دارد، دارای نمره‌های مخصوص است که براساس نظام متریک تعیین و نام‌گذاری می‌شود. تعیین متریک نخ خامه بدین ترتیب محاسبه می‌شود که وزن ثابت یک گرم را بر طول نخ پشمی بر حسب متر تقسیم می‌کنند و آن را نمره یا متریک خامه می‌گویند. چون خامه مورد مصرف در

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۱۰۵

قالی بافی معمولاً دولاست، نمره خامه با ذکر تعداد لای آن نشان داده می‌شود. یادآوری می‌شود که دو نوع نخ پشمی دولا در قالی بافی مصرف می‌شود که عبارت‌اند از: دولای تابیده و دولای موازی (بدون تاب).



۲-۲. مو و کرک

مو و کرک از جمله الیاف حیوانی شبیه به پشم هستند. ریسندگی مو مانند پشم است و با دستگاهی چوبی (دارقالی افقی) انجام می‌شود که از موارد مصرف بافته‌های آن می‌توان از نوعی کیسه (جوال) و خیمه (پلاس)، چادر، شلاق برای حیوانات و نوار دور قالیچه‌های سیستان نام برد.

از موی بز برای چادربافی استفاده می‌شود که در محل، مورد استفاده عشایر کوچ‌نشین و چادرنشین قرار می‌گیرد.

قالی‌های منطقه سیستان و بلوچستان در حال حاضر با طرح‌های کاشان و ساروق و غیره بافته می‌شوند و بعضی از آنها با فرش‌های خود کاشان و ساروق برابری می‌کنند. (همان: ۱۶۰)

سیستان، منطقه‌ای است که صنایع دستی آن شهرتی جهانی دارد. از جمله این صنایع می‌توان به ساخت و تولید ملزومات مختلف از قبیل کلاه، کمر بند، جلیقه، ارخالیق، کیسه پول، کیسه چیق، دستمال، سر بند، شال و شنل اشاره کرد. همچنین تنوع در سبک و مدل دست‌دوزی‌ها، وسیله‌ای برای هنرنمایی صنایع دستی سیستان است.

از میان صنایع دستی مختلف در گذشته سوزن‌دوزی‌ها بدل به پرچم‌هایی شده بودند که خاستگاه و جایگاه اشخاص را تعیین می‌کردند؛ به طوری که با نگاه کردن به نقوش به کار برده شده در آنها، شناسنامه ملّی و پوشاک آنها مشخص می‌شد. هنوز هم نقوش سوزن‌دوزی شده بر روی پوشاک، نشانه وابستگی قومی است که البته در گذشته این مطلب از اهمیت بسیاری برخوردار بود. افراد هر قبیله و طایفه، با تعصّب خاصی که در حفظ و پاسداری از ارزش‌های قبیله‌ای خود داشتند، می‌کوشیدند با دوخت علایم و طرح‌هایی خاص بر روی پارچه با اشکال گوناگون دوختی (قلابدوزی، گلابتون‌دوزی، ابریشم‌دوزی، ملیله‌دوزی، شبکه‌دوزی) دست به ابتکاراتی بزنند. در بعضی از روستاهای سیستان (روستاها، گت، کرباسک، زهک، بُنجار، قلعه‌نو و ...) بانوان، پارچه‌ای همچون شنل روی دوش‌های خود می‌آویختند که زینت‌دهنده آن، انواع دوخت‌های تزیینی بود. از این شنل‌ها گاهی نیز به صورت چادر استفاده می‌کردند.

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۱۰۷

پس از اسلام، تحولی شگرف در نقش‌ها و طرح‌های رودوزی‌های سنتی پدید آمد. اعتقادات مذهبی هنرمندان سیستان در بعضی از نقاط، مبنی بر پرهیز از شبیه‌سازی و همانندپردازی، سبک جدیدی از پردازش طبیعت و محیط زندگی را به ارمغان آورد. این نگرش در مناطق مختلف به گونه‌هایی کاملاً متفاوت جلوه‌گری کرد. دوزندگان با علم به این مطلب که پوشاک، نماد دل‌بستگی‌های خاص و گرایش‌های فکری هر شخص است، سعی در انعکاس عقاید و تأثیرات آن داشتند.

همچنین تزیینات سوزن‌دوزی شده بر روی پوشاک، به تمامی با نخ خامه و نقوش متفاوت از همدیگر دوخته می‌شود و به این ترتیب هر منطقه با منطقه دیگر متمایز می‌گردد.

از انواع سوزن‌دوزی‌هایی که در سیستان باظرافت، زیبایی و تنوع بسیار دست‌دوزی می‌شود و مرسوم است، می‌توان به گلابتون‌دوزی، نقده‌دوزی، قلاب‌دوزی، ملیله‌دوزی، پولک‌دوزی، منجوق‌دوزی، مرواریددوزی، شبکه‌دوزی و سایر رودوزی‌ها اشاره کرد. به طوری که هم اکنون پوشاک سیستانی جزو بهترین تحفه‌هایی است که در بین قبایل غیر ایرانی (افغانی) به عنوان هدیه یا ثروتی گرانبها به سوغات برده می‌شود.

جمع‌بندی

وقتی سخن از بافندگی سنتی به میان می‌آید، در ذهن انسان تار و پود و الیافی تداعی می‌شود که از عناصر اولیه این هنر است و در انواع صنایع، از نظرنوع و جنس (گیاهی و حیوانی) متفاوت است. بافندگی، هنر بافتن تار و پود برداشت‌های ذهنی از محیط پیرامون و درونیات شخصی مردمان است. عوامل محیطی و اعتقادات منطقه‌ای، آیینی، تاریخی و فرهنگی از جمله عواملی

است که در نقش‌های ذهنی تجلی می‌یابد و در نهایت به بافته‌ای دستی بدل می‌شود.

محدودیت آب، خاک، اقلیم، فناوری، علم، سرمایه و مدیریت در روستاهای محروم سیستان (زابل) موجب شده است که صنایع دستی روستایی در این بخش، کمتر توسعه پیدا کند. صنایع دستی که باید بخشی از اقتصاد روستایی را پوشش دهد، متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه و پایین بودن کیفیت تولید از رونق افتاده و در حال منسوخ شدن است. بدیهی است برای جلوگیری از نابودی صنایع دستی سیستان، باید راهکارهایی اتخاذ شود تا صنایع دستی، همچنان جایگاه خود را در اقتصاد روستاهای ناحیه حفظ کند. در حال حاضر در روستاهایی که سطح درآمد آنها از طریق کشاورزی به نسبت بالا رفته، صنایع دستی نیز محدود شده است.

هنرهای سنتی سیستان با استفاده از الیاف گیاهی و حیوانی ❖ ۱۰۹

منابع

الف) کتاب

۱. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳) *نگاهی به سیستان و بلوچستان (سرزمین آزدگان سختکوش)*، تهران: چاپ هما.
۲. تقوی، ن (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: دانشگاه پیام نور.

ب) مقاله

۱. بی‌نام (۱۳۸۱) «اهمیت اقتصادی فرهنگ صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه»، *نشریه جاده ابریشم*، ش ۵۶.
۲. بی‌نام (۱۳۸۷) «صنایع دستی محور اشتغال و توسعه کشور»، *نشریه صنایع دستی*، ش ۸.

ج) مصاحبه

آذریان، زهرا، گت، سیستان و بلوچستان
بستانی کرباسکی، غلامرضا، کرباسک، سیستان و بلوچستان
ده‌مرد، محمد، چرک، میانکنگی، سیستان و بلوچستان
صیادی، بدیل، صیادان سفلی، کوه خواجه، سیستان و بلوچستان
علیدادی، موسی، فقیر لشکری، آدیپی، سیستان و بلوچستان



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی